

موضوع‌شناسی فقهی «زمان نفخ روح جنین» در متون دینی^۱

عمار نصرالهی نیا^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲

چکیده

شناخت دقیق «موضوع» یکی از ارکان اساسی در فرآیند اجتهاد و استنباط احکام فقهی است؛ زیرا حکم شرعی همواره بر موضوع صحیح و روشن بار می‌شود و هرگونه ابهام در تشخیص موضوع، به خطا در استنباط و اجرای حکم می‌انجامد. موضوع‌شناسی فقهی زمان نفخ روح می‌کوشد با تبیین دقیق مرحله حلول روح، بررسی معیارهای فقهی و تحلیل نسبت آن با احکام شرعی، چارچوبی روشن برای اجتهاد در مسائل نوپدید ارائه کند. چنین پژوهشی نه تنها به فهم عمیق‌تر مبانی فقهی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند مبنایی علمی و استوار برای سیاست‌گذاری‌های حقوقی و اخلاقی مرتبط با حیات جنین در جوامع اسلامی فراهم آورد. در قرآن شریف تنها به بیان اجمالی نفخ روح اشاره شده و بیان نشده که در چند ماهگی «روح» دمیده می‌شود. در روایات، با جزئیات بیشتری به مسئله نفخ روح پرداخته شده و در تعدادی از آنها، به‌ویژه احادیث «باب دیه»، به شاخصه‌های زمان نفخ روح اشاره شده است. علاوه بر شاخصه زمانی چهار ماهگی می‌توان به شاخصه‌های زیستی مانند تسویه و ترتیب اعضا و اشتقاق سمع و بصر و صورتگری جنین اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: جنین، روح، نفخ، ولوج، موضوع‌شناسی، چهار ماهگی، شاخصه زمانی و زیستی.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «موضوع‌شناسی فقهی مراحل جنین» است که در مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی توسط نویسنده نگارش شده است.

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، ایران، nasramar229@gmail.com.

مقدمه

«مراحل تکوین جنین به‌ویژه زمان دمیده شدن روح» از جمله موضوعات مهمی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در بسیاری از مباحث فقهی اثرگذار است. اهمیت این نقطه زمانی از آنجاست که بسیاری از احکام فقهی بر بنیاد همین مرحله تعریف می‌شوند؛ از جمله تفاوت در میزان دیه، تغییر عنوان جنینی، آثار حقوقی و حتی مسئولیت کیفری در برخی موارد. اما بیشترین تأثیر آن در مسئله جواز یا عدم جواز سقط جنین است؛ زیرا بسیاری از فقها، میان مرحله پیش و پس از نفخ روح تفاوت اساسی قائل شده‌اند و تغییر این زمان می‌تواند حکم شرعی را به‌طور کامل دگرگون سازد. به تعبیری، هرچه جنین نزدیک‌تر به نفخ روح باشد، ارزش اخلاقی و حرمت بیشتری در نظر گرفته می‌شود.

از این‌رو، بررسی دقیق متون قرآن و روایات و بازشناسی مبانی تعبّدی و نسبی در این حوزه، برای دستیابی به یک موضوع‌شناسی معتبر و قابل اتکا ضروری است. با وجود گستردگی مباحث مربوط به مراحل جنین در فقه اسلامی، بیشتر پژوهش‌ها به بیان احکام و اقوال فقیهان پرداخته و کمتر از زاویه موضوع‌شناسی دقیق مبتنی بر خودِ نصوص بررسی شده‌اند. زیرا نفخ روح از موضوعات منصوص و مقید شرعی به شمار می‌رود؛ بدین معنا که تعیین آن نه صرفاً یک بحث علمی یا عرفی، بلکه مسئله‌ای است که باید بر اساس خودِ نصوص و حدودی که شریعت تعیین کرده، شناخته شود. همین ویژگی، ضرورت پرداختن دوباره و دقیق به متن قرآن و روایات را دوچندان می‌سازد.

در بسیاری از آثار، به جای واکاوی تعبیرات قرآن و روایات و تلاش برای کشف ملاک‌های نهفته در آنها، تنها نتایج فقهی نقل شده و تحلیل متن محور روایت‌ها و دقت در مفاهیم کلیدی مانند معیارهای زمانی و زیستی نفخ روح، انجام نگرفته است. در نتیجه، تاکنون ملاک‌های روشنی برای تعیین زمان ولوج روح از دل عبارات دینی استخراج نشده و فهم این موضوع همچنان با ابهام همراه است.

پژوهش حاضر با محور قرار دادن همین مباحث، می‌کوشد تصویری منقح از زمان نفخ روح در منابع دینی ارائه دهد تا فقها و حقوق‌دانان بتوانند آثار فقهی و حقوقی آن را، به‌ویژه در حوزه حساس سقط جنین، تبیین نمایند.



۱. روح

ماده «روح» دارای ریشه‌ای گسترده و فراگیر است و به معنای وسعت و فسحت و گشایش است. این ماده به سه گونه استعمال می‌شود: یکی مضموم الراء به معنای روح انسان که فراهیدی گفته: الرُّوح: النفس التي يحيا بها البدن. يقال: خرجت رُوحُهُ، أي: نفسه (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۹۱). دیگری مفتوح الراء به معنای نسیم آرامش بخش و رحمت است که در «المحیط» از آن به الرُّوح: بَرْدُ نَسِيمِ الرِّيح (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۹۶) تعبیر شده است و آخری مکسور الراء و به معنای باد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۵۴). راغب می‌گوید: «الرُّوحُ و الرُّوحُ در اصل یکی است ولی رُوح اسمی برای دم و نفس است. زیرا دمیدن و نفس هم قسمتی از روح است؛ مانند نامیدن نوع به اسم جنس؛ مثل نامیدن انسان به حیوان. لذا رُوح اسمی است برای نفس یا جزئی که به وسیله آن حیات و جنبش و تحرُّک حاصل می‌شود. اضافه شدن روح به خداوند «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹) اضافه ملکی است و تخصیصی است که باعث شکوهمندی و شرافت روح است، و حضرت عیسی علیه السلام نیز روح نامیده شده در آیه: «وَرُوحٌ مِنْهُ» (نساء، ۱۷۱؛ آل عمران، ۴۹). این نامگذاری برای توانایی در زنده کردن مردگان برای او بوده (باذن الله) (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۳۶۹).

برخی با نگاه معرفتی به این واژه، اصل آن را «ظهور و جریان امر لطیف» می‌دانند و از مصادیق آن می‌توان به تجلی فیض، وحی و آثاری مانند گشایش و شادی اشاره کرد. از نظری «رُوح» مصدر و «رُوح» اسم مصدر است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۲۷۰).

ازدی طیب می‌گوید: «روح سبب حیات جسم است و متکلمین آن را جسم لطیفی می‌دانند که در بدن مانند گلاب در گل جاری و ساری است. منظور ما از "روح" غیر از "نفس ناطقه" است و مراد ما جسم لطیف بخاری است که از اخلاط لطیف حاصل شده است؛ همانگونه که اعضای بدن از اخلاط کثیف پدیدار گشته است» (ازدی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۵۵۷). از نظری، «اعصاب» ابزار جاری بودن روح حیوانی در سرتاسر بدن است (ازدی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۶۴).

۲. نفخ

«نفخ» به معنای دمیدن باد در چیزی است. به معنای بالا بودن و علو هم استعمال می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۵۸). راغب می‌گوید: «انْتَفَخَ بَطْنُهُ یعنی معده‌اش ورم کرد و نَفَخَةُ الرِّبْع؛ به معنای نسیم حیات آفرین باد بهاری که گیاهان را سبز و زنده می‌کند» (راغب،

۱۴۱۲ق، ص ۸۱۶).

بیشتر استعمالات این واژه در قرآن درباره دمیدن در «صور» که آغاز قیامت است مشاهده می شود؛ مثل: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ» (طه، ۱۰۲). در برخی آیات، بعد از اتمام مراحل ظاهری جنین و تسویه، مرحله «نفخ روح» آمده است؛ مانند: «إِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹) و «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ» (سجده، ۹). طریحی می گوید: «در این آیات نفخ، به معنای حیات دادن است. زیرا در اصل چیزی و منفوخ فيه نبوده است» (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۴۵). به تعبیر برخی، دمیدن روح در وجود انسان اولیه به این معناست که جسدی بود که در آن روح دمیده شد و انسان زنده گردید (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۹۰). قابل توجه آنکه واژه نفخ از آنجایی که به معنای دمیدن از دهان است، گویا روح از دهان خالق متعال در وجود خاکی و سرد انسان دمیده شده و او را به تکامل و تعالی رسانده است.

۳. ولوج

قریب به اتفاق اهل لغت گفته اند: «ولوج به معنی دخول» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۸۲) و «ایلاج به معنای داخل کردن است» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۷). راغب از آن به دخول در جای تنگ تعبیر کرده است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۳) همان گونه که در قرآن آمده: «حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» (اعراف، ۴۰) در قرآن کریم چنین استعملی از اساس در مورد دمیده شدن روح به کار نرفته است. بلکه درباره داخل شدن روز و شب به کار رفته مانند: «تُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ؛ شب را به روز و روز را به شب داخل می کنی» (آل عمران، ۲۷). هم چنین آمده: «يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا» (سباء، ۲) می داند آنچه را داخل زمین می شود و آنچه از زمین خارج می گردد. بر این اساس، اکثر قریب به اتفاق اهل لغت، مطابق استعمالات قرآنی، واژه ولوج را در مورد نفخ روح به کار نبرده اند.

هرچند در روایات، استعمال واژه ولوج در نفخ روح در موارد معدودی به چشم می خورد؛ مانند: «فَعَلَيْهِ دِيَّةُ الْجَنِينِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ قَبْلَ أَنْ تَلِجَ فِيهِ الرُّوحُ وَذَلِكَ مِائَةُ دِينَارٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۵). همین روایت در کتاب «محاسن» به جای لفظ «تلج»، «تنشا» آمده است (برقی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۳۰۵). پس واجب است دیه ای به اندازه دیه جنینی که هنوز روح ندارد، پرداخت کند. در روایت دیگری آمده: «فَإِذَا كَانَ جَنِينًا قَبْلَ أَنْ تَلِجَهُ الرُّوحُ مِائَةُ دِينَارٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۲). پس اگر جنین روح نداشته باشد، باید صد دینار دیه بدهد.

در نقطه دیگر، در کلام فقیهان کاربرد ولوج روح فراوان است؛ از جمله شیخ مفید: «فإن قتلته بعد ولوج الروح فيه فعليها دية كاملة» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶۳). سید مرتضی: «الصحيح أنه مائة

فقهنا

مثقال إذا لم تلج الجنين الروح» (سید مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۹۲) شیخ طوسی: «فی الجنین إن كان قبل أن تلجه الروح مائة دينار» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۴). محقق حلی: «دیه الجنین المسلم الحر مائة دينار إذا تم ولم تلجه الروح» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۳). علامه حلی: «دیه الجنین بعد کمال خلقتہ و قبل ولوج الروح فیہ مائة دينار» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۴۲۶). براین اساس، واژه ولوج در لسان فقهای متأخر و معاصر مشهور و متعارف شد.

۴. انشاء خلق

از فرآیند دمیده شدن روح در برخی آیات به «انشاء خلق آخر» تعبیر شده است. در سوره مومنون آمده: «ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مومنون، ۱۴) در سوره زمر از مراحل جنین به خلقتی بعد از خلقت تعبیر شده و آمده: «يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ» (زمر، ۶) در برخی روایات آمده است: «فَإِذَا أَنشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرٌ وَهُوَ الرُّوحُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۳).

اصل ماده «نشأ» دال بر ارتفاع و بلندی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۲۹) و انشاء در خداوند متعال به معنای خلقت است و در سایر موارد به معنای ابتدا و شروع می آید (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۷). واژه انشاء به معنی ایجاد چیزی است با تربیت و رشد آن که بیشتر در ایجاد حیات انسان گفته می شود (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰۷).

«انشاء» در آیه مورد مراحل جنین با خلق همراه شده است. «خلق» در لغت به اندازه گیری پوست دباغی شده و چرم اطلاق می شود (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۴۷). اصلش اندازه گیری و تدبیر و نظم مستقیم و استوار در امور است. واژه خَلَق در معنی نو آفرینی و ایجاد چیزی است بدون اینکه آن چیز سابقه وجودی داشته باشد؛ مانند: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (انعام، ۷۳) و «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ» (نحل، ۴).

علامه طباطبائی رحمته الله می گوید: «خلق ایجاد چیزی است که در خلقت آن تقدیر و تألیف به کار رفته باشد. حال چه به نحو ضم چیزی به چیز دیگر باشد، مانند ضم اجزاء نطفه به یکدیگر و یا ضم نطفه ماده به نطفه نر و سپس ضم مواد غذایی به آن و هزاران شرایط که در پیدایش و خلقت يك انسان و یا حیوان است، و چه به نحو دیگری که از قبیل ضم جزئی به جزء دیگری نباشد؛ مانند تقدیر ذات موجود بسیط و تعیین حد وجودی و آثار آن و روابطی که با سایر موجودات دارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۵۲).

ایشان با تفکیک میان «خلق» و «انشاء» توضیح می دهد که: «قرآن در پایان مراحل تکوین، تعبیر «ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» را به کار برده تا نشان دهد مرحله نهایی، حقیقتی نو و متفاوت از

مراحل پیشین است. در مراحل قبلی، هر چند نطفه و علقه در ویژگی‌ها متفاوت‌اند، اما همگی اوصاف هم جنس دارند و تحول میان آنها در چارچوب همان سنخ انجام می‌شود. اما در مرحله «انشاء»، اوصاف کاملاً جدیدی چون حیات، قدرت، علم و «جوهره ذاتی» یا شخصیت انسانی پدید می‌آید که نه عیناً و نه هم جنس در مراحل قبلی وجود نداشت. بنابراین، در این مرحله، موجودی پدید می‌شود که از حیث حقیقت و آثار، مسبوق به عدم بوده و سابقه‌ای در مراتب پیشین ندارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۰).

۵. تسویه

از دیگر واژه‌هایی که با نفخ روح ارتباط دارد، مفهوم «تسویه» است. چراکه در چند مورد در قرآن، نفخ روح بعد از مرحله تسویه بیان شده و مترتب بر آن است. واژه «سوی» به معنای استقامت و اعتدال بین دو شیء است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۱۳). راغب می‌گوید: «تَسْوِيَةُ الشَّيْءِ معتدل و برابر نمودن چیزی است یا در رفعت شکوه یا در پستی و خواری» (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۰). تسویه در یکجا بعد از مرحله علقه و خلقت آمده: «ثُمَّ كَانَ عِلْقَةً فَخَلَقَ فَسْوًى» (قیامة، ۳۸). سپس علقه شد پس او را اندازه گرفت و متعادل کرد. تسویه ظاهراً میان اجزاء بدن است. در دو آیه مشابه بعد از خلقت از صلصال و طین آمده: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹) یعنی چون او را پرداختم و از روحم در آن دمیدم.

علامه طباطبائی رحمته الله می‌گوید: «تسویه یعنی چیزی را به گونه‌ای معتدل و مستقیم کنی که قائم به امر خود باشد؛ به طوری که هر جزء در جایی و به حالی و وصفی باشد که باید باشد و در غیر آنجا غلط و ناسزاوار است. بعید نیست از جمله «إِنِّي خَالِقٌ» و جمله «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ» استفاده شود که خلقت بدن انسان اولیه به تدریج و در طول زمانی صورت گرفته؛ ابتدا خلق بوده که عبارت است از جمع‌آوری اجزاء و سپس تسویه بوده که عبارت است از تنظیم اجزاء و نهادن هر جزئی را در جای و حال و وضع مناسب خود؛ آن‌گاه نفخ روح انجام گرفته است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۵۴).

احکام خاص مراحل جنین

در مباحث اخلاق زیستی و فقه پزشکی، زمان نفخ روح، یکی از نقاط کلیدی است که بسیاری از احکام جنینی بر محور آن سامان می‌گیرد. فقها درباره تعیین دقیق این زمان، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ در مجموع دیدگاه‌های ارائه شده در مورد زمان نفخ روح از



سوی فقها عبارتند از: پایان چهار ماهگی (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۳۵۵)؛ شروع شش ماهگی (مفید، ۱۴۱۶ق، ص ۵۳۹؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۴۰ و ۳۴۱؛ حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۰۲)؛ پدیده‌ای نسبی و متغیر (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۴۲۲؛ سیستانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۳۵ و ۱۳۶). با توجه به این جایگاه محوری، لازم است احکام و آثار فقهی مترتب بر نفخ روح با دقت بررسی شود. در این قسمت به مهمترین ابواب فقهی که مراحل جنین در آن استعمال شده است اشاره می‌گردد.

۱. غسل و کفن و دفن جنین

در مسائل مربوط به تدفین میت، اگر جنین به چهار ماهگی برسد، باید او را غسل داد و کفن کرد و دفن نمود. ولی اگر همراه استخوان نباشد یا روح در آن نباشد، کافی است در پارچه‌ای پیچانده شود و دفن گردد (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۰). شیخ انصاری رحمته الله ملاک اتمام چهار ماهگی را برای وجوب غسل اجماعی می‌داند و بعد از بیان اقوال متعدد در تکمیل خلقت جنین، معیار در وجوب غسل را تعبدی و منصوص می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۲۰). برخی از معاصرین گفته‌اند: «بنا بر احتیاط واجب، اگر جنین چهار ماه نباشد، در پارچه‌ای دفن شود ولی اگر دارای روح باشد، اقوی وجوب غسل و کفن و دفن است» (خویی، تبریزی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۰).

۲. موجب شدن غسل مس میت

تماس با جنین سقط شده‌ای که چهار ماه یا بیشتر دارد، موجب غسل مس میت است. این قول قریب به اتفاق فقهاست (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۶)؛ زیرا در چهار ماهگی روح دمیده می‌شود (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۷۱) و میت به کسی می‌گویند که از او روح خارج شود (اشتহারی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۰). وجوب غسل در تماس با جنین کمتر از چهار ماه اختلافی است. برخی تصریح به عدم وجوب آن کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۴؛ حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۵۷-۴۵۸)؛ زیرا «مقصود از میتی که مس او موجب غسل است، میتی است که دارای روح بوده و روح از او خارج شده است، نه موجودی که از ابتدا روح نداشته؛ مثل جنین قبل از نفخ روح یا موجودات بی‌روح» (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۲۱۳).

۳. اسقاط

اسقاط جنین در لغت با اجهاز هم معناست (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۶۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۹). هرچند در نظر برخی اجهاز مخصوص جنین ناقص (فیومی، ۱۴۰۵ق،

ج ۲، ص ۱۱۳؛ واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۷) و اسقاط در جنین کامل الخلقه (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۸۳) به کار می رود. فقهای امامیه به طور غالب سقط را حتی قبل از نفخ روح نیز حرام می دانند؛ مگر در موارد اضطراری (سیستانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۲ و ۱۰۹؛ حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰۰؛ منهاج خوبی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸۴). هم چنین تمامی فقهای از بین بردن جنین بعد از دمیده شدن روح را حرام می دانند (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷۳؛ خوبی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۸۷؛ سیستانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۳۲). برخی فقیهان به جهت حفظ جان مادر و در حالت اضطرار، قائل به جواز سقط جنین پس از ولوج روح شدند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۱۷؛ سیستانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۱۰). ولی برخی دیگر، سقط جنین را مطلقاً جایز نمی دانند و می گویند باید صبر کرد تا قضای الهی چه تقدیری را رقم خواهد زد (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۳۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۲۵۴).

۴. کفاره

قتل جنین قبل از ولوج روح، کفاره ندارد و بعد از ولوج روح، سقط کننده علاوه بر دیه، در صورت اسقاط عمدی و مباشرت، باید کفاره جمع بدهد (فاضل، ۱۳۸۵ق، ص ۱۲۱) مشهور فقهای این قول را برگزیده اند (حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۰۴۵؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۹۵؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶۷؛ نجفی، ۱۳۶۳ق، ج ۴۳، ص ۳۶۴؛ خمینی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۵۹۸) بلکه برخی ادعای اجماع و عدم خلاف کرده اند (نجفی، ۱۳۶۳ق، ج ۴۳، ص ۳۶۴). تنها علامه حلی می گوید: «قتل جنینی که خلقتش کامل است، کفاره دارد؛ هر چند ولوج روح در او نشده باشد» (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۷۹). در مقابل، آیت الله خویی و برخی دیگر در ثبوت کفاره بر جنینی که ولوج روح در او شده است، اشکال کرده اند. به نظر ایشان، اگر اجماع احرار نشود، کفاره ثابت نیست؛ زیرا موضوع در ادله ثبوت کفاره قتل، عنوان رجل و مؤمن است و این دو عنوان بر جنین صدق نمی کند (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۱۰ و ۴۳۵).

۵. دیه

مشهور فقیهان، دیه جنین تام الخلقه را قبل از ولوج روح، صد دینار و بعد از آن، دیه کامل (هزار دینار برای مذکر و پانصد دینار برای مؤنث) می دانند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۴؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۳). مستند این قول، روایات متعددی است که ولوج و نفخ روح در جنین را قید دیه کامل قرار داده است. در مقابل قول مشهور، نخست قول ابن ابی عقیل است که دیه کامل را برای جنین تام الخلقه قرار داده است، هر چند دارای روح نباشد؛ و دوم قول ابن جنید است که دیه جنین سقط شده را عبد یا امه مرغوبی می داند که قیمتش يك دهم دیه کامل یعنی صد دینار باشد (ر.ک: حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۴۱۰).



۶. قصاص

برخی فقیهان، ثبوت قصاص جنین دارای روح را به مشهور نسبت داده‌اند (تبریزی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۴۳) که اگر جنین روح داری، عمداً سقط شود، این عمل، قتل نفس محترمه است و قصاص ثابت می‌شود. از نگاه ایشان، عنوان «قتل» به‌طور کامل محقق است و دلیل خاص بر خروج جنین از شمول قصاص وجود ندارد (سلار، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۴۳؛ حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۲۶۶؛ حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۶۹۹؛ نجفی، ۱۳۶۳ ق، ج ۴۳، ص ۳۸۱). در مقابل، برخی اسقاط جنینی که زنده و منفصل باشد را شرط قصاص می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۳ ش، ج ۱۵، ص ۴۸۷؛ تبریزی، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۳۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ ق، ص ۲۹۰)؛ زیرا ادله قصاص در قتل انسان کامل (المولود) وارد شده و نسبت به جنین در رحم، قاصر از شمول است. بنابراین در سقط عمدی جنین دارای روح، فقط دیه نفس ثابت است، نه قصاص (خوئی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۴۱۷).

مبانی شناخت معیار در تشخیص زمان نفخ روح

مفهوم «روح» در بحث جنین‌شناسی فقهی از مباحث بنیادین و در عین حال پیچیده است؛ زیرا تعیین تکلیف بسیاری از احکام از جمله دیه، قصاص، حرمت سقط و حکم تکلیفی والدین و پزشک، به فهم درست آن وابسته است. دو رویکرد عمده درباره تعیین زمان نفخ «روح» وجود دارد؛ دیدگاه اول: امری شرعی و غیر متغییر و کلی باشد. دیدگاه دوم: پدیده‌ای زیستی متغییر. در دیدگاه اول، زمان دقیق آن ثابت، قطعی و غیر قابل تغییر است و از راه علوم تجربی قابل تشخیص نیست. بر اساس دیدگاه دوم، زمان نفخ روح می‌تواند متفاوت باشد (سیستانی، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۳۵؛ جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج ۵۱، ص ۸۸).

در توجیه قول نخست، می‌توان از کلام شهید صدر رحمته‌الله در فرایند جعل حکم بهره گرفت؛ که این روند جعل حکم تکلیفی، در سه مرحله «ملاک، اراده و اعتبار» تحقق می‌یابد؛ و عنصر اعتبار در این ساختار نه یک حقیقت تکوینی، بلکه یک قالب تنظیمی و عقلایی است که شارع نیز در مقام قانون‌گذاری از همان رویه‌ای تبعیت کرده است که عقلاً در وضع قوانین و الزامات به‌کار می‌گیرند (صدر، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۱۴۶). بدین‌سان، جعل شرعی، ماهیتی نوعی، کلی و غیرشخصی دارد و بر اساس یک الگوی قانون‌مند صورت می‌گیرد، نه بر اساس خصوصیات فردی، زیستی یا تفاوت‌های طبیعی مصادیق. این دیدگاه بر این اساس استوار است که مراحل جنینی، در شمار «موضوعات شرعی مقید» قرار می‌گیرند؛ بدین معنا که شارع مقدس بدون آن‌که برای این مفاهیم، هویتی جدید وضع کند یا در معنای لغوی و عرفی

آنها دگرگونی ایجاد کند، تنها برخی قیود، شروط یا نشانه‌هایی را برای تشخیص مصادیق آنها اعتبار نموده است (بیات، ۱۴۰۳ش، ص ۱۰۷).

در نتیجه، در احکامی مانند وجوب پرداخت دیه یا حرمت اسقاط جنین، صرف گذشت زمان موضوعیت دارد، حتی اگر جنین از نظر علمی کندتر یا سریع‌تر رشد کرده باشد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۷۸؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۴). شیخ انصاری رحمته‌الله ملاک اتمام چهار ماهگی را برای وجوب غسل، اجماعی دانسته و بعد از بیان اقوال متعدد در تکمیل خلقت جنین، معیار در وجوب غسل را تعبدی و منصوص می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۲۰).

در نقطه مقابل، برخی بر این باورند که نمی‌توان زمان خاصی را برای ولوج روح بیان کرد؛ بلکه باید به قرائن و علائم حیات توجه نمود. این سخن مطابق کلمات گروهی از فقها مانند محقق حلی رحمته‌الله و صاحب جواهر رحمته‌الله است که زمان معینی را برای ولوج روح مشخص نکردند و تنها نشانه‌هایی که باعث یقین به حیات جنین است را ملاک می‌دانند (سیستانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۳۵ و ۱۳۶).

در پاسخ به این نظر باید گفت: دقت عددی در بیان زمان بندی مراحل جنین، نشان از قصد شارع برای تثبیت و تحدید دارد، نه توصیف تقریبی - پس هرگاه شارع بیان موضوع را در سیاق حکم شرعی بیاورد و آن را به عدد و زمان خاص محدود کند، آن موضوع غیرمتغیر است و زمان بندی مذکور، منصوص شرعی و غیرقابل تغییر با عرف یا پیشرفت علمی است.

شاخصه‌های قرآنی و روایی نفخ روح

مطالعه مسئله نفخ روح در متون دینی، بدون شناسایی دقیق شاخصه‌های مفهومی آن در قرآن و روایات، امکان‌پذیر نیست. قرآن کریم با به‌کارگیری مفاهیمی چون خلق، تسویه و نفخ، مجموعه‌ای از شاخصه‌های ماهیت‌ساز را معرفی می‌کند که مرحله انتقال جنین به مرتبه انسانی را تبیین می‌نماید. روایات نیز با توضیح نشانه‌ها، زمان بندی و آثار این تحول وجودی، فهمی تکمیلی از این شاخصه‌ها ارائه می‌دهند. ازاین‌رو، بازخوانی این شاخصه‌ها، مبنای اصلی در تحلیل فقهی و انسان‌شناختی مراحل جنینی به‌شمار می‌آید.

۱. شاخصه‌های زمانی (چهار ماهگی)

بر پایه بخش عمده روایات جنین، مرحله نفخ به‌صورت روشن پس از پایان چهارماهگی

تعیین شده و چنین جهتی در مجموع گزارش‌ها تقریباً اتفاقی به نظر می‌رسد. از این رو، وجود یک روایت معارض (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۲۸۴) توان تضعیف این تصریحات متعدد را ندارد؛ به‌ویژه آن‌که برای روایت مزبور می‌توان احتمالات و توجیهاتی مطرح ساخت که تحلیل تفصیلی آنها نیازمند نوشتاری مستقل است.

الف. روایت زراره

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكََيْنِ خَلَائِقَيْنِ... فَيَصْلَانِ إِلَى الرَّحِمِ وَفِيهَا الرُّوحُ الْقَدِيمَةُ الْمُنْقُولَةُ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ فَيَنْفُخَانِ فِيهَا رُوحَ الْحَيَاةِ وَالبَقَاءِ وَ يُشَقِّانِ لَهُ السَّمْعَ وَالبَصَرَ وَ جَمِيعَ الْجَوَارِحِ وَ جَمِيعَ مَا فِي الْبُطْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ؛ بعد از صد و بیست روز، خداوند دو فرشته آفرینشگر می‌فرستد که در رحم، روح قدیمی که از نسل‌های گذشته در صلب مردان و رحم زنان منتقل شده بود وجود دارد، این دو فرشته در آن روح حیات و بقا را می‌دمند و به اذن خداوند برایش گوش، چشم، تمام اعضای بدن و همه آنچه در شکم است را می‌شکافند (و ایجاد می‌کنند)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴). این روایت بیان می‌کند که پس از گذشت چهار ماه و پایان یافتن مرحله لحم، مأموریت دو فرشته موکل خلقت آغاز می‌شود و سپس فرایند نفخ روح تحقق می‌یابد.

ب. روایت ابن بزيع

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّهُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً نُظْفَةُ وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً عَلَقَةٌ وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً مُضْغَةٌ فَذَلِكَ تَمَامُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكََيْنِ خَلَائِقَيْنِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۶). در این روایت هم به صراحت از نفخ روح بیان نشده است و از قرائنی که گفته شد، می‌توان نفخ روح بعد از چهار ماهگی را اثبات کرد. این نکته بنا بر عطف «ثم يبعث الله» بر «فَذَلِكَ تَمَامُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ» قابل استفاده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۲۸).

ج. روایت سلام بن مستنیر

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «التُّظْفُ مِنَ الْعَزْلِ وَ السَّقْطُ، قَبْلَ أَنْ يُنْفَخَ فِيهِ رُوحُ الْحَيَاةِ وَ البَقَاءِ، وَ مَا يَمُوتُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ قَبْلَ الْأَرْبَعَةِ أَشْهُرِ، وَ هُمُ الَّذِينَ لَمْ يُنْفَخْ فِيهِمْ رُوحُ الْحَيَاةِ وَ البَقَاءِ.» (حلی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۱۵) «این گروه (غیر مَحَلَّه) شامل نطفه‌های ناشی از عزل (انزال خارج از رحم) جنین‌های سقط شده قبل از دمیده شدن روح حیات و بقا و جنین‌هایی که قبل از چهار ماهگی در شکم مادر می‌میرند می‌شود. اینان کسانی هستند که روح حیات و

بقا در آنها دمیده نشده است» طبق این روایت، جنین‌هایی که قبل از اتمام چهار ماهگی در شکم مادر می‌میرند، دارای روح نمی‌باشند و بر این اساس، نفخ روح در جنین، بعد از چهار ماهگی صورت می‌پذیرد.

د. روایت ابو بصیر

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِذَا سَكَنتِ النُّطْفَةُ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَأَنْشَأَ فِيهِ الرُّوحُ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۱۵). مطابق این روایت، روح در پایان چهار ماهگی دمیده شده باشد هر چند به لحاظ سیاق عبارت و مقتضای جمله حالیه، امکان دارد در قبل از آن نیز وجود داشته باشد؛ ولی احتمال اولی مناسب‌تر خواهد بود.

ه. روایت بنظی

در احادیث دیگر، بعد از پایان چهار ماهگی به مأموریت دو ملک خلاق در شکل‌دهی جنین و مقدرات مادی و معنوی جنین اشاره می‌نماید. از جمله روایت بنظی از امام رضا علیه السلام: «فَإِذَا تَمَّتِ الْأَرْبَعَةُ أَشْهُرُ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكَيْنِ خَلَاقَيْنِ يُصَوِّرَانِهِ وَ يَكْتُبَانِ رِزْقَهُ وَ أَجَلَهُ وَ شَقِيّاً أَوْ سَعِيداً» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۳).

بعد از اتمام چهار ماه، تصویرگری جنین و مکتوب کردن مقدرات برای او در نظر گرفته شده است. باید در نظر داشت که مسئله مقدرات مادی و معنوی در صورت حیات و زنده بودن جنین موضوعیت پیدا می‌کند. زیرا برای موجودی که به مرحله متناسبی از تکوین نرسیده و هنوز خلقت کاملی پیدا نکرده تا روح در آن دمیده شود، نمی‌توان آینده‌ای در نظر گرفت تا مقدراتی داشته باشد. این روایت، حامل برخی از مطالبی است که بزرگان به توجیه آن پرداخته‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۵۴).

و. روایات عامه

روایتی مشهور به نقل عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منابع روایی اهل سنت وجود دارد که در آن، زمان نفخ روح چهار ماهگی معرفی شده است؛ «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ فِي أَرْبَعِينَ يَوْماً أَوْ قَالَ: أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، قَالَ ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسِلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ الْمَلَكَ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: عَمَلُهُ، وَأَجَلُهُ، وَرِزْقُهُ، وَشَقِيّاً أَوْ سَعِيداً، ثُمَّ يُنْفَخُ فِيهِ الرُّوحُ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۸۲؛ ابن أشعث، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۲۸).

این روایت اگرچه در منابع روایی شیعه دیده نمی‌شود، اما برخی از فقیهان و مفسران امامیه در آثار فقهی و تفسیری خود به آن اشاره و استدلال کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۶؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۱۹۵؛ نجفی، ۱۳۶۳ق، ج ۴، ص ۱۱۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۱۷).

همچنین از امام علی (ع) آمده است: «إِذَا تَمَّتِ التُّنْفَةُ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ بُعِثَ إِلَيْهَا مَلَكٌ فَتَفَخَّ فِيهَا الرُّوحُ فِي الظُّلُمَاتِ الثَّلَاثِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ يَعْنِي نَفْخَ الرُّوحِ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۷) در روایت مشابه، پیامبر اکرم (ص) فرموده: «أَنَّ الْوَلَدَ إِذَا بَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ نَفَخَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ» (مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۰۳۶؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۴۲۱). برخی از بزرگان، مانند شهید اول (ع)، صاحب جواهر (ع) و شیخ انصاری (ع) روایتی را از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند که عین الفاظ آن در مجامع روایی عامه پیدا نمی‌شود: عن النبي (ص): «إِذَا بَقِيَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ يَنْفَخُ فِيهِ الرُّوحُ» (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ نجفی، ۱۳۶۳ق، ج ۴، ص ۱۱۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۲۱).

۲. شاخصه‌های زیستی

در موارد متعددی می‌توان از آثار زیستی و رشد و نمو که در جنین مشاهده می‌شود، دمیده شدن روح را کشف کرد. بر اساس تحلیل آیات قرآن و روایات معتبر، می‌توان چهار شاخصه زیستی کلیدی را که همزمان با مرحله نفخ روح در جنین رخ می‌دهد، شناسایی و تبیین نمود.

الف. شاخصه قرآنی کسوت لحمی و تسویه

در قرآن کریم دمیده شدن روح در ضمن برخی آیات بیان شده است که از خلال همین آیات، می‌توان شاخصه‌های زیستی برای حلول روح را دریافت نمود. در برخی آیات، نفخ روح پس از مرحله پوشیده شدن استخوان با گوشت آمده: «فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مومنون، ۱۴) در جای دیگر، پس از مرحله تسویه و سر و شکل گرفتن جنین آمده: «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ وَآيَةً فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹) که بعد از مرحله تسویه، به نفخ اشاره می‌کند. بین این دو مفهوم، رابطه عام و خاص وجود دارد؛ زیرا مرحله «تسویه» بعد از مرحله «لحم» است و امکان ندارد قبل از مرحله کسوت لحمی، جنین به صورت یک موجود متناسب درآید. زیرا پس از مرحله «مضغه» هنوز ساختار گوشتی دارد و بعد از مرحله «عظم» است که به تدریج به شمایل یک کودک تبدیل می‌گردد. در روایات هم به این دو نکته اشاره شده است؛ مرحله کسوت لحمی؛ «فَإِذَا اكْتَسَى الْعِظَامُ لَحْمًا فَفِيهِ مَاءٌ دِينَارٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۲).

مرحله مرتب بودن اعضا و جوارح؛ «مُخَلَّفَةٌ لَهُ عَظْمٌ وَلَحْمٌ مُرْتَّبُ الْجَوَارِحِ قَدْ نُفِخَ فِيهِ رُوحُ الْعَقْلِ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۲). این مضمون در برخی کتب با تعابیری مشابه بیان شده است از جمله در نسخه کافی، کلمه «مزیل» آمده: «مُزَيَّلُ الْجَوَارِحِ قَدْ نُفِخَ فِيهِ رُوحُ الْعَقْلِ» در کتاب الوافی «مرمل» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۷۴۹). در برخی نسخه‌های دیگر «مربل» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۱۶۱) به معنای کثیر اللحم نیز به چشم می‌خورد.

ب. شاخصه «عظم» به همراه اشتقاق سمع و بصر

در روایت ابو عبیده از امام باقر (ع) آمده: «إِنْ كَانَ عَظْمًا قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ شُقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دِيَّتَهُ تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ فَهِيَ لَا تَرِثُ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دِيَّتِهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۴) از اطلاق عنوان قتل بر سقط جنین در این مرحله، می‌شود فهمید که جنین دارای روح بوده است. همچنین فقره: «شُقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دِيَّتَهُ»، بیان می‌دارد که در هنگام پدیدار شدن گوش و چشم، دیه کامل (جنین روح دار) واجب می‌شود.

ج. شاخصه کسوت لحمی و دمیده شدن بلافاصله روح

در برخی روایات، مانند روایت ظریف، مقدار دیه جنین را در پنج مرحله، از نطفه تا کسوت لحمی بیان می‌کند: «فَإِذَا كُسِيَ اللَّحْمُ كَانَتْ لَهُ مَائَةٌ دِينَارٍ كَامِلَةً فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرٌ وَ هُوَ الرُّوحُ فَهُوَ حَيِّنْدُ نَفْسٍ فِيهِ أَلْفٌ دِينَارٍ دِيَّةً كَامِلَةً إِنْ كَانَ ذَكَرًا وَ إِنْ كَانَ أُنْثَى فَخَمْسُمِائَةِ دِينَارٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۵) بعد از مرحله لحم، خلقت جنین، تمام شمرده می‌شود و بعد از دمیده شدن روح آمده: «فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرٌ وَ هُوَ الرُّوحُ»، که با فاء ترتیب و با فاصله کم، روح در جنین دمیده می‌شود و نفسی است که در ازای جنایت بر او باید، دیه کامل پرداخت کند. از این روایت برداشت می‌شود که دمیده شدن روح، بلافاصله بعد از مرحله لحم است.

۳. هم پوشانی و نقاط مشترک شاخصه‌های زمانی و زیستی

برخی روایات، شاخصه‌های ترکیبی از نشانه‌های زمانی و زیستی ارائه می‌دهند. این روایات، با تلفیق ابعاد مختلف تکوینی، مانند پایان چهار ماه و کامل شدن اعضا، نقطه عطف دمیده شدن روح را ترسیم می‌کنند. از این رو، شاخصه‌های زمانی نفخ روح در روایات، در واقع بازتاب همان شاخصه‌های زیستی مرحله گذار جنین به مرتبه انسانی‌اند و دو سطح توصیف، ناظر به یک واقعیت تکوینی واحد هستند.



الف. پایان چهار ماهگی به همراه صورتگری جنین

بر اساس برخی روایات، فرایند صورتگری جنین در چهار ماهگی اتفاق می‌افتد واضح‌ترین آنها روایت بنزطی از امام رضا علیه السلام است؛ «فَإِذَا تَمَّتِ الْأَرْبَعَةُ أَشْهُرٌ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكَئِنِ خَلَائِقِنِ يُصَوِّرَانِهِ وَيَكْتُبَانِ رِزْقَهُ وَأَجَلَهُ وَشَقِيئاً أَوْ سَعِيداً» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۳) بعد از اتمام چهار ماهگی، به نقش دو فرشته آفرینشگر برای صورتگری و مقدرات مادی و معنوی او اشاره می‌شود که می‌تواند نشانه ولوج روح باشد. در روایت حسن بن جهم از امام رضا علیه السلام آمده: «فَإِذَا كَمَلَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ بَعَثَ اللَّهُ مَلَكَئِنِ خَلَائِقِنِ فَيَقُولَانِ يَا رَبِّ مَا تَخْلُقُ ذَكَراً أَوْ أُنْثَى فَيُؤَمِّرَانِ فَيَقُولَانِ يَا رَبِّ شَقِيئاً أَوْ سَعِيداً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۳) بر اساس این دسته از روایات، پایان چهار ماه با زمان مأموریت دو فرشته آفرینشگر مقارن شده که هر دو آنها شاخصه‌ای برای دمیده شدن روح است و نشان می‌دهد نفخ روح، همراه با بلوغ ساختاری جنین است.

ب. پایان چهار ماهگی به همراه مرحله کسوت لحمی

در برخی روایات علاوه بر اتمام صد و بیست روز، اتمام مرحله کسوت لحمی و پوشانده شدن استخوان با گوشت نیز آمده است. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «يَكُونُ نُظْفَةُ أَرْبَعِينَ يَوْماً ثُمَّ يَكُونُ عِلْقَةً أَرْبَعِينَ يَوْماً ثُمَّ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْماً... فَإِذَا اكْتَسَى الْعِظَامُ لَحْماً فِيهِ مِائَةُ دِينَارٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۳). در این روایت، امام علیه السلام بعد از پایان چهار ماه و مرحله مضغه می‌فرماید: «فاذا اكتسى العظام لحماً» که در ضمن چهل روز، مضغه صورت گرفته باشد تا مدت زمان نفخ روح بیش از چهار ماه نباشد. از نظر برخی، هر چند ابتدای روایت، صراحت در بیان ولوج روح ندارد، ولی به کمک آیه در ذیل، اشاره به حلول روح دارد چون «خَلْقاً آخَرَ» همان روح است (طباطبائی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۵۳۸).

ج. پایان چهار ماهگی و ترتیب اعضای جنین و حرکت در رحم

در برخی روایات، نفخ روح بعد از پایان ۱۲۰ روز و اتمام مرحله «عظم» و فرایند ترتیب جوارح، آمده است و حرکت کردن جنین را نشانه روح بیان کرده است. در روایت سعید بن مسیب از امام سجاد علیه السلام آمده است: «قُلْتُ فَمَا حُدُّ الْمُضْغَةِ فَقَالَ هِيَ الَّتِي إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ مِائَةٌ وَعِشْرِينَ يَوْماً قَالَ فَإِنْ طَرَحَتْهُ وَهِيَ نَسَمَةٌ مُخَلَّقَةٌ لَهُ عَظْمٌ وَلَحْمٌ مَرَّتَبُ الْجَوَارِحِ قَدْ نُفِخَ فِيهِ رُوحُ الْعَقْلِ فَإِنَّ عَلَيْهِ دِيَّةً كَامِلَةً. قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ تَحَوَّلُهُ فِي بَطْنِهَا مِنْ

حَالٍ إِلَى حَالٍ أَمْ بِرُوحٍ كَانَ ذَلِكَ أَمْ بِغَيْرِ رُوحٍ قَالَ بِرُوحٍ عَدَا الْحَيَاةِ الْقَدِيمِ الْمُنْقُولَةِ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ فِيهِ رُوحٌ غِذَاءُ الْحَيَاةِ مَا تَحَوَّلَ مِنْ حَالٍ بَعْدَ حَالٍ فِي الرِّجَمِ؛ اگر زن، جنین خود را سقط کند، در حالیکه دارای استخوان و گوشت که اعضا و جوارح او را از هم تمیز داده و روح عقل در او دمیده شده است، بر او دیه کامل است. راوی: آیا به نظر شما، حرکت جنین در شکم مادر به سبب وجود روح است یا خیر؟ امام فرمود: به سبب روح است، اما روحی غیر از آن حیات پیشین که در اصلا ب مردان و ارحام زنان داشته است و اگر در جنین، روحی غیر از حیات نباشد، در رحم هیچ حرکتی نخواهد کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۷).

لازم به ذکر است این روایت بنابر نسخه کافی و وافی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۷۴۹) که «عدا الحیاه» بدون نقطه و مهمل آمده، نقل شده است؛ در مقابل در دو کتاب «تهذیب» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۲) و «جامع الاحادیث» (برجوردی، ۱۴۲۹ق، ج ۳۱، ص ۶۶۰) نسخه‌ای وجود دارد که «غذا» با نقطه و معجم آمده است. بنابر نسخه «عدا» این روایت، علاوه بر دلالت داشتن بر روح انسانی (روح عقل)، بر وجود حیات نباتی قبل از تحقق حیات حیوانی و انسانی نیز دلالت دارد. نکته مهم دیگر در این روایت این است که امام علیه السلام حرکت جنین در رحم را که از آثار روح حیوانی است، نشانه نفخ روح انسانی قرار داده است و این نتیجه مهمی را در پی خواهد داشت که می‌شود، حرکات جنین ناشی از حلول روح باشد؛ هر چند در کیفیت و نوع حرکت باید دقت شود که هر حرکتی و در هر زمانی چنین کاشفیتی ندارد (ر.ک: جعفری، ۱۴۱۹ق، ص ۲۵۲).

د. پایان چهار ماه به همراه اشتقاق سمع و بصر

در برخی روایات فرایند «اشتقاق سمع و بصر» و «مرتب بودن اعضا و جوارح» به عنوان ملاک ولوج روح بیان شده است؛ شبیه مرحله ترتیب اعضا و جوارح. در روایت محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام آمده است: «قَالَ إِذَا كَانَ عَظْمًا شُقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ وَ رُتِبَتْ جَوَارِحُهُ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ فِيهِ الدِّيَّةَ كَامِلَةً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۴۵) از امام باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کنند: «در این مرحله، گوش و چشم برایش گشوده می‌شود و اعضایش مرتب می‌گردد. وقتی به این مرحله رسید، دیه آن کامل است». بر همین مبنا، کشف می‌شود ولوج روح، بعد از مرحله عظم و اشتقاق سمع و بصر و ترتیب جوارح شکل گرفته است. همچنین فقره آخر روایت زراره نیز به همین شاخصه اشاره دارد. امام باقر علیه السلام فرمودند: «فَيَنْفَخَانِ فِيهَا رُوحَ الْحَيَاةِ وَ الْبَقَاءِ وَ يُشَقَّانِ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ وَ جَمِيعُ الْجَوَارِحِ وَ

جَمِيعَ مَا فِي الْبُطْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴) در این روایت، فقره «يُشْقَانِ لَهُ السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَجَمِيعُ الْجَوَارِحِ» نشان دهنده این مضمون می باشد.

نتیجه گیری

در پرتو موضوع شناسی فقهی زمان نفخ روح، با توجه به مجموعه ادله نقلی، فقهی و اصولی، نظریه تعبّدی بودن چهارماهگی به عنوان زمان نفخ روح، بر سایر دیدگاه ها از جمله تلقی های متغیر و عرفی، پنج و شش ماهگی، ترجیح آشکار دارد که به اهم آنها اشاره می شود.

نخست آنکه حدود زمانی نفخ روح در روایات معتبر، با تعابیری توقیفی و تعبّدی بیان شده و هیچ نشانه ای از تفویض تشخیص آن به عرف، عقل یا داده های تجربی دیده نمی شود. همین جنبه توقیفی، از حیث اصول فقه، حکم را در شمار احکام تعبّدی غیر قابل تغییر قرار می دهد؛ زیرا شارع به صورت ایجابی عدد و مرحله را تعیین کرده و آن را به مناسبات متغیر موکول نکرده است.

ثانیاً، نظریه عرفی یا علمی بودن زمان نفخ روح، در مقام اثبات، فاقد دلیل معتبر شرعی است. عرف نه توان تشخیص این مرحله را به صورت مستقل دارد و نه از سوی شارع برای تشخیص آن نصب شده است. در مقابل، دلیل تعبّدی، هم حجت شرعی دارد و هم قابلیت اعمال در تمام ابواب فقه را بدون تزلزل حفظ می نماید.

ثالثاً، فقیه با پذیرش تعبّدی بودن چهارماهگی، قادر است مجموعه احکام از قبیل ترتب دیه، احکام سقط، ضمان طبیب، و حتی آثار طهارت و نجاست را بر مبنای واحد و قابل اعتماد استنباط نماید و در وادی ایجاد نسبیت در موضوع ورود نکند که با طبیعت موضوعات شرعی دارای آثار مهم ناسازگار باشد.

رابعاً، روایاتی که زمانی متفاوت از چهارماهگی برای نفخ روح ذکر کرده اند، از حیث سند و دلالت در برابر شهرت روایی و فتوایی مستقرّ تاب مقاومت ندارند. این دسته روایات یا از ضعف سند رنج می برند، یا ظهور کافی در تعیین زمان نفخ روح ندارند؛ در نتیجه، توان معارضه با انبوه روایات صحیح، متعدد و هم جهت دالّ بر تحقق نفخ روح در چهارماهگی را ندارند.

در پایان، متذکر می گردد: مقایسه داده های پزشکی و یافته های معاصر جنین شناسی با معیارها و مراحل تکوین مذکور در متون دینی، در مورد نفخ روح، مستلزم پژوهشی مستقل و نظام مند است و باید در چارچوب پژوهشی جداگانه و منظم دنبال شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن أشعث، سلیمان ابوداود، (۱۴۲۰ق)، سنن ابی داود، محقق: سید ابراهیم، عبدالقادر عبدالخیر، قاهره: دار الحديث.
۲. ابن حنبل، أحمد بن محمد، (۱۴۱۶ق)، مسند الامام أحمد بن حنبل، بیروت: مؤسسه الرساله.
۳. ابن فارس، أحمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. أزدی، عبدالله بن محمد، (۱۳۸۷ش)، کتاب الماء، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.
۵. اشتهاودی، علی پناه، (۱۴۱۷ق)، مدارک العروة، تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ق)، کتاب الطهارة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری رحمته الله.
۷. برقی، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ش)، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامية.
۸. بروجردی، آقا حسین، (۱۴۲۹ق)، جامع أحادیث الشيعة، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۹. بیات، حجت الله، (۱۴۰۳ش)، نیمه اول اجتهاد، قم: نشر موضوع شناسی.
۱۰. البیهقی، أبو بکر أحمد بن الحسین الخسروجردی، (۱۴۲۴ق)، السنن الكبرى، محقق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۱. تبریزی، جواد بن علی، (۱۳۸۳ش)، استفتاءات جدید، قم: انتشارات سرور.
۱۲. _____، (۱۴۲۸ق)، تنقیح مبانی الأحكام- کتاب الدیات، قم: دار الصدیقة الشہیده عليها السلام.
۱۳. جعفری، محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، رسائل فقہی، تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
۱۴. جمعی از نویسندگان، (بی تا)، مجله فقه أهل البيت عليهم السلام (بالعربیة)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۷. حکیم، سید محسن طباطبایی، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر.

فهرست منابع

۱۸. _____، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین (المحشى)، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۹. حلّی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۷ق)، المعبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
۲۰. _____، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۱. حلّی، حسن بن سلیمان بن محمد، (۱۴۲۱ق)، مختصر البصائر، محقق/ مصحح: مظفر، مشتاق، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۲. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
۲۳. _____، (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، محقق/ مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. _____، (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۵. حلّی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، محقق/ مصحح: جمعی از محققین تحت إشراف شیخ جعفر سبحانی، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیة.
۲۶. حمیری، عبدالله بن سعید، (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، محقق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۷. خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۲ش)، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه انتشارات دار العلم.
۲۸. خویی، سید ابو القاسم، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم: نشر مدینه العلم.
۲۹. _____، (۱۴۱۶ق)، صراط النجاة (المحشى)، محقق/ مصحح: موسی مفید الدین عاصی عاملی، قم: مکتب نشر المنتخب.
۳۰. _____، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، محقق/ مصحح: پژوهشگران مؤسسه إحياء آثار آية الله العظمی خویی، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۳۱. _____، (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام خوئی.
۳۲. خویی، سید ابو القاسم: تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۲۷ق)، فقه الأعدار الشرعیة والمسائل الطبیة من صراط النجاة، قم: دار الصدیقة الشهيدة علیه السلام.

۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیة.
۳۴. سبزواری، سید عبد الأعلى، (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله سبزواری.
۳۵. سالار، حمزة بن عبد العزیز، (۱۴۰۴ق)، المراسم العلویة و الأحكام النبویة فی الفقه الإمامی، قم: منشورات الحرمین.
۳۶. سیستانی، سید علی، (۱۴۱۶ق)، الفتاوی المیسرة، محقق/ مصحح: سید عبد الهادی حکیم، قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
۳۷. سیستانی، سید محمدرضا، (۱۴۲۸ق)، وسائل المنع من الانجاب، بیروت: دارالمورخ العربی.
۳۸. صاحب بن عباد، (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب.
۳۹. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۱۸ق)، دروس فی علم الأصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۰. طباطبائی حائری، سید علی، (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، محقق: محمد بهرهمند، محسن قدیری، کریم انصاری، علی مروارید، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۴۱. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. طرابلسی، عبد العزیز بن براج، (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۳. طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الكتاب العربی.
۴۵. _____، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۶. _____، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۷. _____، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۸. عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

۴۹. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰ق)، *اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية*، محقق/ مصحح: محمد تقی مروارید- علی اصغر مروارید، بیروت: دار التراث- الدار الإسلامية.
۵۰. _____، (۱۴۱۹ق)، *ذکری الشيعة في أحكام الشريعة*، محقق/ مصحح: جمعی از پژوهشگران در مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۱. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۳۸۵ش)، *احکام پزشکان و بیماران*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۵۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۵۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، *الوافي*، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
۵۴. فیومی، احمد بن محمد مقری، (۱۴۰۵ق)، *المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير للرافعي*، قم: مؤسسه دارالهجره.
۵۵. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافي*، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۵۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۵۷. _____، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول علیهم السلام*، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۵۸. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، (۱۴۰۶ق)، *روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه*، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي کوشانپور.
۵۹. مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۱۷ق)، *المسائل الناصريات*، تهران: رابطه الثقافة والعلاقات الإسلامية.
۶۰. مسلم بن حجاج، نیشابوری، (۱۴۱۲ق)، *صحيح مسلم*، مصحح: محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره: دارالحدیث.
۶۱. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ق)، *التحقيق في كلمات القرآن الكريم*، تهران: مرکز الكتاب للترجمة والنشر.
۶۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، (۱۴۱۳ق)، *المقنعة*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۲ق)، *بحوث فقهية هامة*، قم: انتشارات مدرسة الإمام علي بن

أبي طالب عليه السلام.

۶۴. واسطی، سید محمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق/مصحح: علی شیر، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.

۶۵. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

فقه نیای فقهی



تشخيص الموضوع الفقهي لـ «وقت نفخ الروح في الجنين» في النصوص الدينية^١

عمار نصرالهي نيا^٢

ملخص البحث

التشخيص الدقيق للموضوع يُعدّ أحد الأركان الأساسية في عملية الاجتهاد واستنباط الأحكام الفقهية؛ إذ إنّ الحكم الشرعي يترتب دائماً على الموضوع الصحيح والواضح، وأيّ إبهام في تشخيص الموضوع يؤدي إلى الخطأ في الاستنباط وامتنال الحكم. وبحث تشخيص موضوع «وقت نفخ الروح»، من خلال التبيين الدقيق لمرحلة حلول الروح، ودراسة المعايير الفقهية، وتحليل نسبتها إلى الأحكام الشرعية، يسعى إلى تقديم إطار واضح للاجتهاد في المسائل المستجدة. ولا يساعد هذا البحث على فهم أعمق للمباني الفقهية فحسب، بل يمكنه أيضاً أن يوفر أساساً علمياً رصيناً للسياسات القانونية والأخلاقية المرتبطة بحياة الجنين في المجتمعات الإسلامية. اقتصر القرآن الكريم على إشارة مختصرة إلى موضوع نفخ الروح، دون أن يبين الشهر الذي يتم نفخ «الروح» فيه. أمّا في الروايات، فقد تمّ تناول مسألة نفخ الروح بتفصيل أكبر، وأشارت جملة منها. سيما أحاديث «باب الدية». إلى مؤشرات وقت نفخ الروح. إلى جانب مؤشر الأربعة أشهر، يمكن الإشارة إلى مؤشرات حيوية (بيولوجية) أخرى مثل تسوية الأعضاء وترتيبها، واشتقاق السمع والبصر، وتصوير الجنين.

الألفاظ المفتاحية: الجنين، الروح، النفخ، الولوج، تشخيص الموضوع الفقهي، الأشهر الأربعة، المؤشر الزمني والحيوي.

١. اقتبس هذا المقال من أطروحة بحث تحت عنوان «تشخيص الموضوع الفقهي لمراحل الجنين» محذرة من قبل الباحث في مركز تشخيص موضوعات الأحكام الفقهية.

٢. أستاذ السطوح العليا في حوزة قم العلمية، إيران، nasramar229@gmail.com.

Juristic Subject Analysis of the Time of Ensoulment of the Fetus in Religious Texts¹

Ammar Nasrollahi Nia²

Abstract

Accurate identification of the legal subject constitutes one of the fundamental pillars of *ijtihad* (independent juristic reasoning) and the derivation of Islamic legal rulings, since every legal ruling is predicated upon a clearly established subject. Any ambiguity in identifying the subject may therefore result in errors in both legal reasoning and implementation. The juristic subject-analysis of the time of *nafkh al-rūh* (ensoulment—the moment at which the soul is breathed into the fetus according to Islamic theological and juristic discourse) seeks to establish a clear framework for addressing contemporary legal questions by precisely defining the stage at which the soul enters the fetus, examining the relevant juristic criteria, and analyzing their relationship to legal rulings. Such research contributes not only to a deeper understanding of juristic foundations but also provides a solid basis for legal and ethical policymaking concerning fetal life in Muslim societies. The Qur'an refers to ensoulment only in general terms and does not specify the gestational age at which the soul is breathed into the fetus. The narrations provide considerably greater detail, and several reports—particularly those found in the chapter on *diyāh* (financial compensation for bodily injury or homicide)—identify indicators of the timing of ensoulment. In addition to the temporal indicator of four months of gestation, the narrations refer to biological indicators such as the completion and proportioning of bodily limbs, the emergence of hearing and sight, and the formation of the fetus's physical features.

Keywords: SFetus, soul, ensoulment, *wulūj* (entry of the soul), subject-analysis, four months, temporal and biological indicators.

1. This article is derived from the research project entitled "Jurisprudential Subject Identification of the Stages of the Fetus," conducted and authored by the researcher at the Center for Subject-Matter Study of Jurisprudential Rulings.

2. Senior Instructor of Advanced Levels, Qom Seminary, Qom, Iran. nasramar229@gmail.com.